

شہید احمد جمالی



سامانہ جامع سرداران و دوہزار شہید استان بوئحر

محمد حسن	نام پدر
۱۳۴۹/۰۶/۲۰	تاریخ تولد
بوشهر - تنگستان	محل تولد
۱۳۶۷/۰۴/۰۴	تاریخ شهادت
جزیره مجنون	محل شهادت
رزمنده	مسئولیت
بسیج	نوع عضویت
دانش آموز	شغل
دوره دبیرستان	تحصیلات
خیاری	مدفن

زندگینامه

زندگینامه شهید احمد جمالی

خداوند از مومنان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کند که برابرش برای آنان باشد.

آنان در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند، این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر شده است، و چه کسی از خدا به عهدش وفادار تر است؟! اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده اید و این پیروزی بزرگی برای شماست. «قرآن کریم»

چه شکوه و عروجی برای مجاهدان اینار گر راه خدا، در این آیات ترسیم شده است. خداوند خریدار است و مومنان پاکباز راه او فروشنده اند، جان‌ها و مال‌هایشان متاع و کالای مورد فروش است و بهشت بهای این معامله شگفت.

گرایش و ایمان به این حقایق متعالی در فرهنگ قرآن، رمز پیروزی‌های شگرف رزمندگان جان‌بر کف اسلام در برابر کفر تا دندان مسلح و مجهز به ساز و برگ نظامی ابر قدرت هاست. عامل قوی و قدرتمند معنوی درگیر و دار صحنه‌های خونین نبرد اسلام و کفر، همان پیروزی ایمان بر ابزار و تکرار حماسه پر شکوه پیروزی خون بر شمشیر است که با حماسه آفرینی‌های شهیدان عینیت می‌یابد.

شهید احمد جمالی فرزند محمد حسن در سال ۱۳۴۹ در روستای خیاری از توابع بخش مرکزی شهرستان تنگستان دیده به جهان گشود، ایشان در یک خانواده مذهبی و متدین بزرگ شد و از همان دوران طفولیت با محرومیت فقر و تنگدستی و محروم شدن از وجود پدر خو گرفته بود و با خون او عجین شده بود و وظیفه امرار معاش زندگی بر دوش مادر پیر و زحمت کشش سنگینی می‌کند و ایشان دوش به دوش مادر برای مخارج روزمره زندگی تلاش می‌کند.

دوران تحصیلات ابتدایی را در روستا آغاز و به پایان می‌رساند و برای ادامه تحصیل به اهرم عزیمت و دوران راهنمایی را در آنجا به اتمام می‌رساند. در این دوره از زندگی، ایشان متحول می‌شوند و دوره جدیدی را در زندگی آغاز می‌کنند و مدرسه و تحصیل را رها می‌کنند و پا به مدرسه عشق می‌گذارند. مدرسه عشق و شهادت و جهاد و با آن شور و شعور انقلابی که در سر داشتند به ندای رهبر کبیر انقلاب لبیک گفته به میدان نبرد با کفار و مزدوران خود فروخته صدام می‌شتابند.

در تابستان گرم و سوزان سال ۶۷ هجری شمسی بود که احمد سر از پا نشناخته و عازم جبهه‌های گرم جنوب می‌شود و به جمع رزمندگان اسلام می‌پیوندد و به دفاع از دین و ناموس و ارزشهای اسلامی می‌پردازد و در جزیره مجنون در یک نبرد نا برابر با مزدوران صدام به درجه رفیع شهادت نائل می‌گردد و پیکر مطهرش را برای تدفین به زادگاهش روستای خیاری منتقل و در جوار سایر شهدا و هم‌زمانش در بهشت حسن به خاک سپرده می‌شود. روحش شاد و راهش مستدام باد

وصیت نامه

وصیت نامه شهید احمد جمالی

بسم رب الشهداء و الصدیقین

در مکتب عشق جز نکو را نکشند روبه صفتان زشت خو را نکشند

اینجانب احمد جمالی فرزند محمد حسن ساکن خیاری مشتاقانه هم چون کبوتری سبکبال به سوی جبهه های حق علیه باطل رهسپار می شوم و از دنیا و متعلقاتش چشم می پوشم و به امید رسیدن به هدفی والا قیام می نمایم . اگر در این صراط مستقیم به آرزوی خویش رسیدم از عموم شما عزیزان التماس دعا و حلالیت دارم ، خصوصا آن هایی که مراحل مختلف زندگی و تربیتم نقش داشته اند . از خداوند منان برای سعادت دین و دنیای آن ها التماس دعا دارم .

به طور خلاصه توجه شما عزیزان و بستگان را به ذکر چند نکته جلب می نمایم :

۱- دوستان عزیزم ، هم کلاسی هایم ، و شما دانش آموزان امروز و آینده سازان فردا در راه کسب علم و تحصیل آن کوشا باشید و از هیچ کوششی دریغ نورزید تنها غذای روح من در این دنیا همین است و روحم آرام نمی گیرد جز با شکستن قفس خاکی و پرواز به سوی خدای بی پناهان .

۲- شما ای برادران و خواهران عزیز وحدت و یكدلی را حفظ نمایید و در مصیبت و فقدان بنده صبر پیشه کنید که خداوند سبحان در قرآن مجید می فرماید که همگی ما یکی پس از دیگری فانی هستیم پس چه زیباست مسافری سبکبال و آماده باشیم و خود را سنگین و آلوده نسازیم و در سوگ من ننشینید و مرا حلال نمایید که یگانه راه آزادی من این است .

۳- ابوالقاسم برادر عزیزم ای دوست شب و روزهای تلخ و پر فراز و نشیب زندگیم ، ای برادر مهربان و دوست داشتیم امیدوارم که مرا ببخشید و همچون گذشته استوار باشی و از مادرم نیز خوب مواظبت کن و سعی نما که که قلب او را آرام سازی که وعده دیدار ما نزدیک است .

خاطرات

سجایای اخلاقی شهید احمد جمالی از زبان آموزگار وی
شهید احمد جمالی بزرگ شده در یک خانواده مذهبی بود به همین دلیل زمینه های رشد عقاید مذهبی در وی از بدو پیروزی انقلاب نمایان تر شد.
اخلاق و رفتارش در محل بسیار مودبانه و متواضعانه بود ، کسی در روستا از ایشان هیچ وقت نگران و ناراحت نشد

حضورش در مسجد بسیار فعال و مشوقی برای دیگران بود . در مراسمات مذهبی و راهپیمایی ها و مراسم دعای کمیل و توسل شرکت فعال داشت . بارزترین فعالیت مذهبی ایشان شرکت در نماز جماعت بود که همه شب با حضور فعال شهید اسماعیل جمالی ، حسن جمالی ، فلکناز جمالی و سایر رزمندگان در مسجد صاحب الزمان روستایی کر بلائی بر گزار می شد و شهید احمد جمالی مقاله هایی می نوشتند و می خواندند و از صمیم قلب و با عشقی وصف ناشدنی از امام و انقلاب صحبت می کرد .
آموزگار علی جمالی

معلم حقیقی من
خداوند را سپاس می گویم که این توفیق را به من عطا نمود که به مدت ۳ سال به عنوان معلم علوم وی در مدرسه شهید اسماعیل جمالی تدریس نمایم و ایشان به عنوان معلم حقیقی من در زندگی ام تاثیر گذارد.
در سال ۶۵ که با تنی چند از معلمان مدرسه به جبهه اعزام شدیم ، مدرسه روستا به علت نداشتن معلم تعطیل شد و به روستای هم جوار (قباکلکی) منتقل شد و شهید احمد در نامه ای که برایم در جبهه نوشتند به این نکته اشاره کردند که با رفتن شما به جبهه مدرسه ما را تعطیل کردند همان جا بسیار ناراحت شدم و خودم را گنهگار دانستم زیرا عده زیادی را به خاطر تعطیلی مدرسه ناراحت و خسته کرده بودم و خود نیز جبهه و جنگ و دفاع از دین و میهن را بر کلاس درس ترجیح داد و به جبهه آمد و در دفاع از آرمان های مقدس اسلام شربت شهادت نوشید و به خیل شهدا پیوست .

راوی علی جمالی
دبیر علوم اجتماعی

شهیدان

شهیدان محور پرگار عشقند شهیدان لاله گلزار عشقند
نیای عاشقی همچون شهیدان شهیدان رونق بازار عشقند

قامت شکنان چو گل شکفتند همه اسرار فلاح خویش گفتند همه
شب بر رخ لاله شبنم خونین زد با دامن پر ز لاله خفتند همه

شهیدان خفته در ماوای خونند شهیدان زورق دریای خونن
دیاری از شهیدان خفته داریم شهیدان فاتح صحرای خونند

(بر گرفته از کتاب بذر خون، شاعر: رهرو)



سامانہ جامع سرداران و دھڑ شمیم استان بوٹھر